



سرنوشت مهریه های قدیمی و بیشتر از ۱۴ سکه چه می شود؟

تصویب قانون جدید مهریه، موجی از سوال و ابهام را در جامعه به راه انداخته و ماجرا برای خیلی ها همچنان مبهم است.

تصویب قانون جدید مهریه، موجی از سوال و ابهام را در جامعه به راه انداخته و ماجرا برای خیلی ها همچنان مبهم است.

به گزارش ایسنا، به نقل از تابناک، این روزها در بسیاری از اتاق های وکالت و حتی گفت وگوهای خانوادگی، خیلی ها سوالهای مشترک می پرسند: «تکلیف آن مهریه های سنگین قدیمی چه می شود؟ ممکن است به مهریه خود نرسیم؟ و...»

برای پاسخ به ابهامات موجود درباره مهریه، باید داستان این تغییر قانون را از ابتدا مرور کرد تا به قانون جدید رسید و آنگاه احتمالا موضوع روشن تر خواهد بود.

قانون جدید، مهریه را به دو بخش تقسیم کرده است: چهارده سکه اول، و مابقی. برای آن چهارده سکه، راه سابق؛ یعنی امکان درخواست بازداشت برای الزام به پرداخت؛ کمکان پابرجاست. اما آن بخش عمده دیگر، آن مبلغی که گاه از صد سکه هم فراتر می رود، حالا سرنوشت دیگری پیدا کرده است. طبق این قانون، برای وصول مازاد بر چهارده سکه، دیگر مجازات حبسی در کار نیست. به عبارت ساده تر، قانونگذار می گوید که نمی توان مردی را به جرم ناتوانی در پرداخت مهریه ای چندصد سکه ای، سال ها پشت میله های زندان نگه داشت.

بخشش در کار نیست!

اما این به هیچ وجه به معنای بخشش یا باطل شدن آن دین سنگین نیست. مهریه، چه چهارده سکه باشد و چه چهارصد سکه، طلبی است قانونی و مشروع که بر عهده شوهر ثبت شده و تا ادا شدن، از دوش او ساقط نمی شود. تفاوت، تنها در شیوه وصول آن است. اکنون، راه اصلی برای گرفتن این حق، دادگاه و شیوه های مدنی است. زن می تواند با ارائه درخواست اجرای احکام، تقاضای توقیف اموال شوهر، مسدود کردن حساب های بانکی او یا کسر از حقوق و درآمدش را کند. موفقیت در این مسیر، اما به یک شرط کلیدی گره خورده است: تمکن مالی. اگر مردی واقعاً دارایی و درآمدی نداشته باشد، دادگاه او را معسر (ناتوان از پرداخت) اعلام می کند و پرداخت مهریه به زمان توانایی مالی او موکول می شود.

جلوگیری از یک سوءاستفاده

در این میان، قانونگذار هم بیکار ننشسته و برای جلوگیری از یک سوءاستفاده رایج، چاره ای اندیشیده است. همزمان با این تغییرات، *قانون مبارزه با فرار از دین تقویت شده* است. بر اساس این اصلاحیه، از همان لحظه ای که زن، اظهارنامه رسمی مطالبه مهریه را به همسرش ابلاغ می کند، اگر مرد با علم به این بدهی، اقدام به فروش یا انتقال خانه، ماشین یا دیگر دارایی هایش به نام دیگری کند، مرتکب جرم شده است. مجازات این کار، که با قصد فرار از دین انجام شود، شش ماه تا یک سال حبس است. این ماده قانونی، مانند سدی محکم، می کوشد تا مانع نابود شدن طلب زنان در پیچ و خم نقل و انتقالات صوری اموال شود.

واکنش های متفاوت

این تغییرات قانونی، همچون تیغی دو لبه، واکنش های متضادی را برانگیخته است. از یک سو، جمعی؛ که بسیاری از آنان مردان یا خانواده هایی با دغدغه معیشت هستند؛ با آهی از راحتی می گویند: «بالاخره داد جوانان بی پول را تا حدی شنیدند. حالا لااقل ترس زندان دائمی، سایه از روی سر زندگی ها برداشته می شود.» آنان امیدوارند این کار، از فشارهای کمرشکن ناشی از نوسان دیوانه وار قیمت سکه بکاهد و جلوی سوءاستفاده هایی را که گاه زندگی هایی را به نابودی می کشد، بگیرد.

اما از سوی دیگر، صدای نگرانی و اعتراض گروه دیگری بلند است. بسیاری از فعالان حقوق زنان و حقوقدانان نگرانند که با حذف اهرم حبس، مهم ترین ابزار اجرایی و حمایتی زنان برای وصول حق خود از بین رفته است. آنان می پرسند: «در جامعه ای که بسیاری از زنان دسترسی مستقیم به اطلاعات مالی همسران خود ندارند، چگونه می توانند اموالی برای توقیف معرفی کنند؟»

آنان این تغییر را بدون در نظر گرفتن واقعیت های اجتماعی و بدون ارائه جایگزین های حمایتی محکم؛مانند تسهیل حق درخواست طلاق برای زن یا حمایت های مالی پس از آن؛تصمیمی ناقص و آسیب زا می دانند که امنیت مالی زنان در ازدواج را به خطر می اندازد.

و نهایتاً...

در پایان، داستان مهریه های سنگین قدیمی، حالا وارد فصل تازه ای شده است. فصل پیچیده تری که دیگر سیاه و سفید نیست. در این فصل، حق زن محفوظ است، اما راه وصول آن طولانی تر، پیچیده تر و مشروط تر شده است. فصل جدیدی که قضات، وکلا و خانواده ها باید با ظرافت بیشتری در آن گام بردارند؛ جایی که تعادل میان جلوگیری از زندان های بی حاصل و حفظ امنیت مالی زنان، به آزمونی بزرگ برای کارآمدی نظام حقوقی تبدیل شده است.